

راه رفتن روی طناب پاکستان:

میانجی مذاکرات ایران و آمریکا یا سپر نظامی عربستان در جنگ خلیج فارس؟

مقامات پاکستانی و شماری از تحلیلگران می‌گویند که این کشور قادر به انجام هر دو وظیفه است. اما این حرکت روی طناب آسان نخواهد بود.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، شبکه الجزیره در تحلیلی به بررسی رویکرد پاکستان میان ایران و عربستان در جنگ اخیر پرداخته که در ادامه آمده است.

در تاریخ ۱۱ آوریل، «شهباز شریف»، نخست‌وزیر پاکستان، با «جی‌دی ونس»، معاون رئیس‌جمهور آمریکا دست داد و او را برای گفت‌وگوهایی حاشیه‌ی بالاترین سطح مذاکرات مستقیم میان واشنگتن و تهران از زمان انقلاب ۱۹۷۹ ایران راهنمایی کرد.

تقریباً در همان زمان، وزارت دفاع عربستان سعودی بیانیه‌ای کاملاً متفاوت منتشر کرد.

در بیانیه‌ای که توسط خبرگزاری رسمی عربستان سعودی (SPA) منتشر شد، ریاض استقرار یک نیروی نظامی پاکستانی را در پایگاه هوایی ملک عبدالعزیز در استان شرقی این کشور، طبق پیمان دفاعی مشترک راهبردی (SMDA) که سال گذشته امضا شد، تأیید کرد.

این بیانیه اعلام داشت که این استقرار شامل جنگنده‌ها و هواپیماهای پشتیبانی از نیروی هوایی پاکستان است و هدف آن تقویت هماهنگی مشترک نظامی و افزایش آمادگی عملیاتی میان دو کشور است.

در دو روزی که از آن زمان گذشته، دولت پاکستان هیچ بیانیه رسمی درباره این تحول منتشر نکرده است. بال رسانه‌ای ارتش (ISPR)، وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه به درخواست‌های الجزیره برای اظهارنظر پاسخی ندادند.

بیانیه عربستان بلافاصله نشان‌دهنده حرکت ظریف و دشوار پاکستان در میانه جنگی است که اقتصاد جهانی را بی‌ثبات کرده، به حملات و کشته‌شدن‌هایی در چندین کشور منجر شده و اکنون به تشدید تنش‌های پرمخاطره میان آمریکا و ایران در تنگه هرمز انجامیده است.

از یک سو، اسلام‌آباد میانجیگری مرکزی میان آمریکا و ایران بوده، روز شنبه میزبان تیم‌های آنها بوده و تلاش می‌کند پس از شکست مذاکرات، آنها را به ادامه گفت‌وگوها ترغیب کند.

از سوی دیگر، پیمان دفاعی مشترک راهبردی SMDA تعهدی از سوی پاکستان برای کمک نظامی به یک متحد کلیدی است که پیش از آتش‌بس مکرراً مورد حمله ایران قرار گرفته بود – و تهران هیچ تضمینی نداده که دوباره به عربستان یا دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس حمله نخواهد کرد.

در حال حاضر، مقامات پاکستانی می‌گویند که می‌توانند هر دو نقش را مدیریت کنند.

یک مقام پاکستانی که به شرط فاش نشدن نامش صحبت کرد، گفت اسلام‌آباد متعهد است که تا هر تعداد دور که لازم باشد، فرآیند میانجیگری را تسهیل کند و افزود که تماس دیپلماتیک میان همه طرف‌ها ادامه دارد.

پیش‌بینی می‌شود که شریف در روزهای آینده به عربستان سعودی سفر کند و احتمالاً از دیگر کشورهای منطقه از جمله ترکیه نیز بازدید خواهد داشت، زیرا اسلام‌آباد در تلاش است پیش از ضرب‌الاجل آتش‌بس، شتاب دیپلماتیک خود را حفظ کند.

اما با اعمال محاصره دریایی آمریکا بر بنادر ایران و انقضای آتش‌بسی که اسلام‌آباد میان واشنگتن و تهران برقرار کرد در تاریخ ۲۲ آوریل، حرکت روی طناب پاکستان می‌تواند پیچیده‌تر شود.

تعمیق روابط با ریاض

در قلب این حرکت روی طناب، SMDA قرار دارد. یک روز پیش از آغاز گفت‌وگوهای اسلام‌آباد، «محمد بن عبدالله الجدعان»، وزیر دارایی عربستان، دیداری کوتاه از اسلام‌آباد داشت و با شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، در دفتر او ملاقات کرد. «اسحاق دار»، معاون نخست‌وزیر، و فیلد مارشال «عاصم منیر»، فرمانده ارتش، نیز حضور داشتند.

طبق بیانیه‌ای رسمی، شریف از «حمایت‌های اقتصادی و مالی طولانی‌مدت» ریاض از پاکستان قدردانی کرد و گفت که این حمایت‌ها نقشی حیاتی در تثبیت اقتصاد این کشور ایفا کرده است.

این دیدار نشان‌دهنده گستردگی روابط پاکستان و عربستان در زمینه‌های دفاع، دیپلماسی و مالی بود.

SMDA در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵ در کاخ الیمامه در ریاض توسط محمد بن سلمان، ولیعهد، و شریف با حضور منیر امضا شد. این پیمان هر دو کشور را متعهد می‌کند که هرگونه تجاوز علیه یکی را تجاوز علیه دیگری تلقی کنند.

موضع پاکستان در قبال این توافق همواره ثابت بوده است.

«دار» در تاریخ ۳ مارس، سه روز پس از آغاز جنگ، در مجلس سنا صریحاً گفت که پاکستان با عربستان پیمان دفاعی دارد «و تمام جهان از آن اطلاع دارد».

او افزود که شخصاً تعهدات پاکستان ذیل این پیمان را به «عباس عراقچی»، وزیر امور خارجه ایران، منتقل کرده و روشن ساخته که این توافق چه معنایی دارد.

شریف نیز متعهد شد که پاکستان در کنار پادشاهی عربستان و مردم آن خواهد ایستاد.

آنچه هنوز نامشخص است، این است که تحت چه شرایط خاصی از پاکستان یا عربستان انتظار می‌رود به دفاع از دیگری برخیزند. آیا یکی از آنها باید اعلام کند که با کشور دیگری در حال جنگ است؟ آیا یکی از آنها باید به طور خاص از دیگری درخواست کند که به مداخله نظامی بپیوندد؟ آیا عربستان تاکنون از درخواست رسمی از پاکستان برای دفاع از خود خودداری کرده است؟

تحلیلگران می‌گویند اقداماتی که تاکنون توسط عربستان و پاکستان برای نشان دادن اجرایی شدن SMDA انجام شده، هدفشان ارسال پیام‌های روشن به دیگر کشورهاست؛ حتی اگر ابهام در مورد محتوای خاص خود توافق به عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند. به عنوان مثال، دشمن عربستان دقیقاً نخواهد دانست که چه زمانی باید با قدرت نظامی پاکستان نیز روبه‌رو شود.

برای روشن شدن موضوع، حضور نظامی پاکستان در جهان عرب سابقه‌ای طولانی دارد. خلبانان پاکستانی در طول جنگ شش روزه ۱۹۶۷ برای نیروهای هوایی عرب پرواز کردند و نیروهای پاکستانی از دهه ۱۹۶۰ در نقش‌های مختلف در سراسر خاورمیانه مستقر شده‌اند.

در عربستان، پاکستان از سال ۱۹۶۷ هزاران پرسنل نظامی را آموزش داده است. توافقنامه‌ای رسمی در سال ۱۹۸۲ استقرار پرسنل نیروهای مسلح پاکستان را برای اهداف آموزشی نهادینه کرد.

در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، تعداد قابل توجهی از نیروهای پاکستانی در این پادشاهی مستقر بودند، از جمله برای محافظت از زیرساخت‌های نفتی در استان شرقی، همان منطقه‌ای که استقرار فعلی در آن انجام شده است.

با این حال، SMDA نخستین پیمانی است که به طور رسمی عربستان و پاکستان را متعهد می‌کند که حمله به یکی را حمله به دیگری تلقی کنند.

راه رفتن روی طناب

«عظیمه چیمه»، مدیر مؤسس مشاوره ورسو در اسلام‌آباد، گفت که فراخوانی SMDA نشان‌دهنده یک محاسبه خاص است.

او به الجزیره گفت: «فراخوانی SMDA بهایی است که عربستان برای خویشتن‌داری قابل توجه خود در پیشرفت این جنگ پرداخته است. این احتمالاً پیش و قبل از مذاکرات [میان آمریکا و ایران]، زمانی که پاکستان بالاترین سطح خشم خود را به ایرانیان اعلام کرد، با عربستان توافق شده بود.»

او گفت که به نظر می‌رسد عربستان «دیدگاه بلندمدتی نسبت به مشارکت امنیتی با پاکستان در برابر همه تهدیدات علیه حاکمیت ارضی خود، چه از سوی ایران و چه اسرائیل، دارد.»

در عین حال، پاکستان میزبان هیچ پایگاه نظامی آمریکا نیست و با اسرائیل روابط دیپلماتیک ندارد، عواملی که به گفته چیمه به حفظ اعتبار این کشور در نزد تهران کمک می‌کند.

او گفت: «ایرانیان خواهند دانست که پاکستان تمایلی به جنگ با ایران ندارد. آنها محتاط خواهند بود که پاکستان در شرایطی که ایران و عربستان هم‌زمان درگیر جنگ هستند، بی‌طرف نیست، اما همچنین اذعان خواهند داشت که پاکستان ابتدا به دنبال راهی از طریق میانجیگری خواهد بود.»

«عمر کریم»، همکار در مرکز ملک فیصل برای پژوهش‌ها و مطالعات اسلامی در ریاض، گفت رویکرد پاکستان هم منطق و هم ریسک دارد.

او به الجزیره گفت: «پاکستان هم از نظر مسئولیت میانجیگری که بر عهده گرفته و هم از نظر تعهدات خود در قبال دفاع از عربستان، روی طناب راه می‌رود.»

کریم گفت به نظر می‌رسد اسلام‌آباد محاسبه کرده که می‌تواند هر دو نقش را حفظ کند و از تعهدات خود ذیل SMDA برای ایجاد اهرم فشار بر ایران و جلوگیری از حملات بیشتر به تأسیسات عربستان استفاده کند.

او گفت: «این طرفد ممکن است تا زمانی که مذاکرات یا تعاملات آمریکا و ایران ادامه دارد، کار کند، اما در صورت ازسرگیری خصومت‌ها، این استراتژی ممکن است فرو بپاشد و پاکستان ممکن است مجبور شود به طور کامل درگیر جنگ شود.»

این کارشناس خاورمیانه افزود که این یکی از دلایلی است که مقامات پاکستانی احتمالاً اولویت می‌دهند تا ترتیبات فعلی را تا جایی که ممکن است حفظ کنند.

کریم گفت: «ادامه مذاکرات آمریکا و ایران برای پاکستان از همه مهم‌تر است.»

«سینا عضدی»، دانشیار مطالعات خاورمیانه در دانشگاه جورج واشنگتن، دیدگاهی خوش‌بینانه‌تر ارائه داد.

او به الجزیره گفت: «من باور ندارم که پاکستان با توجه به پیوندهای مذهبی و همچنین قرابت قومی و زبانی، رابطه خود با ایران را به خطر بیندازد.»

عضدی همچنین پیشنهاد کرد که این استقرار ممکن است هدفش جای دیگری باشد.

او گفت: «فکر می‌کنم حرکت عربستان برای مشارکت با پاکستان بیشتر متوجه اسرائیل بود تا ایران.»

محدودیت‌های ایفای همزمان نقش‌ها

با این حال، یک ژنرال سه‌ستاره بازنشسته پاکستانی هشدار داد که پنجره پاکستان برای ایفای همزمان نقش میانجی و متحد نظامی عربستان باریک است.

او که به شرط فاش نشدن نامش صحبت کرد، گفت: «پاکستان می‌تواند هر دو نقش را فقط در صورتی حفظ کند که [هرگونه] استقرار نظامی کاملاً تدافعی، زمان‌مند و به طور شفاف محدود باقی بماند. به محض اینکه میدان به عملیات تهاجمی تغییر کند، یا تصور هماهنگی تهاجمی ایجاد شود، نقش دوگانه فرو می‌پاشد.»

او به سابقه طولانی استقرار نیروهای پاکستانی در عربستان به عنوان عاملی اشاره کرد که می‌تواند واکنش ایران را شکل دهد.

او گفت: «برداشت ایران، نه قصد پاکستان، تعیین خواهد کرد که آیا اعتماد باقی می‌ماند یا خیر. اما قصد پاکستان در این مورد، سابقه‌ای پشت خود دارد.»

در ریاض، این استقرار به عنوان یک اقدام بازدارنده تلقی شده است.

«فیصل الحمد»، سرتیپ بازنشسته و تحلیلگر نظامی عربستان، به ایندپندنت عربی گفت که این اقدام «بیشتر یک گام بازدارنده است تا آماده‌سازی برای حمله به هر طرفی».

او گفت که استقرار هواپیماها در استان شرقی، پیامی ارسال می‌کند که آسیب‌پذیرترین مناطق عربستان در حال تقویت هستند. این استان که محل بیشتر زیرساخت‌های نفتی عربستان است، بزرگترین هدف حملات ایران به این پادشاهی در طول جنگ بوده است.

نیروی هوایی سلطنتی عربستان همچنان یکی از قدرتمندترین نیروهای هوایی منطقه است و بیش از ۲۰۰ فروند اف-۱۵ (دومین ناوگان بزرگ در جهان پس از آمریکا) و ۷۲ فروند یوروفایتر تایفون را اداره می‌کند.

برخی تحلیلگران اشاره کرده‌اند که استقرار پاکستان شامل خلبانان، نیروهای هوایی و تکنسین‌های زمینی است، اگرچه این موضوع به طور رسمی تأیید نشده است.

همچنین مشخص نیست که آیا نیروهای پاکستانی تحت فرماندهی ساختار خود عمل می‌کنند یا در فرماندهی عملیاتی عربستان ادغام شده‌اند.

دیپلماسی شکننده

از زمانی که هیئت‌های آمریکایی و ایرانی در ۱۲ آوریل بدون دستیابی به توافق، اسلام‌آباد را ترک کردند، اوضاع شکننده‌تر شده است.

محاصره دریایی آمریکا بر بنادر و مناطق ساحلی ایران در ۱۴ آوریل به اجرا درآمد. نیروهای مسلح ایران آن را «دزدی دریایی» خواند و اعلام کرد که بنادر کشور «یا برای همه است یا برای هیچ‌کس».

با وجود شکست مذاکرات، مقامات پاکستانی می‌گویند واشنگتن و تهران هنوز در تماس هستند. مقامات می‌گویند اسلام‌آباد دوباره پیشنهاد میزبانی دور دیگری از گفت‌وگوها را داده است، در حالی که آتش‌بس تا ۲۲ آوریل برقرار است.

کانال‌های دیپلماتیک میان ریاض و تهران نیز همچنان باز است.

در ۹ آوریل، «فیصل بن فرحان»، وزیر امور خارجه عربستان، نخستین تماس عمومی اعلام شده را با همتای ایرانی خود عراقچی از زمان آغاز حملات ایران به همسایگان خلیج فارس انجام داد و در مورد راه‌های کاهش تنش و بازگرداندن ثبات گفت‌وگو کرد.

تماس دومی در ۱۳ آوریل انجام شد که بر تحولات منطقه‌ای و نتیجه مذاکرات اسلام‌آباد متمرکز بود.

تحلیلگران می‌گویند تماس‌های مداوم نشان می‌دهد که هر دو طرف به حفظ خطوط ارتباطی باز، صرف‌نظر از موقعیت‌یابی نظامی، علاقه دارند.

چیمه گفت: «تردید ایران نسبت به پاکستان، اگر وجود داشته باشد، حداقل می‌تواند با این اطمینان که پاکستان ثبات منطقه را بر سایر منافع ترجیح خواهد داد، جبران شود.»

منبع: تابناک